



۶ گام برای مدیریت بحران

دیگر ما از آن دسته عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی نخواهیم بود تا مورد بازیچه نیروهای قدرتمند خارجی قرار بگیریم، بلکه اکنون ما هم نیرویی نیرومند می‌باشیم.

ضد حمله!

زمانی که اوضاع و موقعیت‌تان به هم می‌ریزد و دستخوش آشفتگی قرار می‌گیرید، شما می‌بایست همانند یک فرمانده ارتش در میدان جنگ شروع به تفکر کنید. گاهی موقعیت به اندازه‌ای حاد است که مجبور می‌شوید تصمیمات مهم و سختی را اتخاذ و آن‌ها را بدون معطلی اجرا کنید، چرا که دیگر تامل جایز نیست.

مطالعه‌ای در خصوص بزرگ‌ترین فرماندهان ارتش دنیا که از سال ۶۰۰ قبل از میلاد به بعد در زمین زندگی کرده‌اند صورت گرفته است. در این بررسی و ارزیابی چندین اصول استراتژی ارتش که طی قرن‌ها به شکست یا پیروزی افراد و گروهک‌ها منتهی شده‌اند، مشخص شده است.

این اصول هم‌اکنون در تمام مدارس نظامی دنیا به دانشجویان آموزش داده می‌شود. با اجرای این اصول استراتژی در زندگی و شغل‌تان گاهی می‌توانید اوضاع و شرایط را تغییر داده و به نتایج فوق‌العاده‌ای دست یابید.

استراتژی اول: اهداف‌تان را تعیین کنید

اولین اصل در استراتژی نظامی، اصل هدف است. بدین منظور که شما می‌بایست کاملاً هدفی را که برای عبور از بحران‌ها به آن احتیاج دارید شناسایی کنید. در اصول شغلی اجرای این اصل معمولاً بر روی اهدافی مبتنی بر فروش، درآمدها و گردش پول نیز متمرکز است. شما برای دستیابی به بهترین و مهم‌ترین اهداف خود به طرح‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و افراد مناسبی نیازمندید که در مشاغل مناسب خود به انجام کار مشغول شوند. افراد می‌بایست کاملاً بدانند که از آن‌ها توقع انجام چه کاری را دارند هر چه که هست باید تعهد به پیروزی و موفق شدن را بدانند.

استراتژی دوم: شجاعانه عمل کنید

دومین اصل مهم اصل حمله است. اهمیت این اصل اقدام و عملکرد شما می‌باشد. به این معنا که می‌بایست شجاعانه به جلو حرکت کنید تا با دشواری‌ها مواجه شوید و مشکلات را حل و فصل کنید. همان‌طور که ناپلئون رهبر نظامی فرانسوی می‌گوید: تا به حال هیچ‌گونه جنگ بزرگی از موقعیت دفاعی، پیروز و موفق نبوده است. از آنجایی که تمایل طبیعی هر فردی در طول مواجه شدن با بحران و مسائل چالش برانگیز عقب‌نشینی است، شما می‌بایست در مقابل این تمایل مقاومت کنید و با حالت صبورانه حرکت به سمت جلو برای به دست گرفتن کنترل اوضاع و حمله قاطعانه به طرف مشکلات را ادامه دهید.

شما هرگز نمی‌توانید با کاهش هزینه‌ها از بحران و اوضاع چالش برانگیز رهایی یابید بلکه مجبور خواهید بود برای خودتان درآمدهای را ایجاد کنید و تنها روش برای انجام این کار فروختن چیزی به شخصی می‌باشد. همیشه به خلق درآمد از راه فروش

بیندیشید. در این زمینه باید با دقت و بی‌پروا رفتار کنید. شرکت‌های خاص که یک بحران را به خوبی پشت سر می‌گذارند با تمرکز مستحکم و قاطع بر خلق درآمدهای فروش اوضاع را به سود خودشان تغییر می‌دهند؛ بنابراین شما نیز می‌بایست این چنین عمل کنید.

استراتژی سوم: منابع خودتان را سازماندهی کنید

سومین اصل اساسی اصل سازماندهی منابع است به این منظور که شما می‌بایست تا بهترین افراد، بهترین کارمندان و منابع محدودتان را در قسمت‌هایی متمرکز و سازماندهی کنید که در آن احتمال بزرگ‌ترین پیروزی‌ها وجود داشته باشد. فعالیت‌هایتان را به نوعی بازسازی کنید که استعدادهایتان به نتایجی معطوف شوند که به راحتی قادر باشند تا شما را سریع‌تر از هر چیز دیگری از بحران نجات دهند.

استراتژی چهارم: بسیار انعطاف‌پذیر باشید

اصل چهارم در این بخش اصل مانور روی خود است. تقریباً تمامی موقعیت‌های بزرگ که در جنگ نصیب یک گروه می‌شوند، نتیجه تدابیر مهم فرمانده موفق گروه در حمله به دشمن در جناح‌های مختلف و تحت فشار قرار دادن گروه مقابل می‌باشد. در امور شغلی و کاری به کارگیری این اصل نیازمند اقداماتی جدید و تازه است و در صورت تاثیربرانگیز نبودن آن باید شانس خودتان را با هر گونه اقدام و عملکرد دیگری بیازمایید. در عملکرد خود می‌بایست بسیار انعطاف‌پذیر و خلاق باشید. در انجام دقیق یک عملکرد جدید بر عکس آنچه که تا به حال انجام می‌دادید، نیز بیندیشید. انجام تمامی شیوه‌ها را برای خودتان هم هموار کنید، چرا که پیروزی و بقا نباید تنها هدف مهم برایتان باشد.

استراتژی پنجم: تمامی اطلاعات موجود را جمع‌آوری و ذخیره کنید

اصل پنجم از استراتژی نظامی اصل اطلاعات می‌باشد. به کارگیری این اصل در واقع به معنای کسب تمامی اطلاعات در مورد اوضاع و شرایط می‌باشد. شما هر طور که می‌توانید باید اطلاعات کسب کنید. کنجکاوی کنید و با افراد مختلف تماس برقرار کنید و حتی به سراغ اینترنت بروید. شما هر چه اطلاعات بیشتر و بهتری را کسب کنید در اخذ تصمیمات بهتر و موثرتر کوشا خواهید بود.

استراتژی ششم: تمامی افراد را به انجام کارهای گروهی دعوت کنید

اصل ششم برای سبک پیروزی و موفقیت انجام عملکردهای گروهی است. اطمینان یابید که گروهتان به اهداف و ارزش‌های منسجم و مشترک مشغول به کار می‌باشد و از وظایف کاری خود کاملاً آگاه است. تمامی افراد باید بدانند که اوضاع و موفقیت کاری چگونه در حال پیشرفت است و دیگر افراد گروه در حال انجام چه کارهایی می‌باشند. یکی از اصول پیروزی نظام مشترک، این است که هرگز شانس و امید اتفاقی رخ نمی‌دهد. امید و تکیه بر شانس هرگز یک استراتژی محسوب نمی‌شود. به خودتان نگاه کنید و هرگز در انتظار کسب یک پیروزی در موفقیت آسان نباشید.

روزی از ناپلئون سوال می‌کنند که آیا به شانس عقیده دارید یا خیر؟ او در پاسخ می‌گوید: بله به شانس عقیده دارم، البته به شانس بد عقیده بیشتری دارم چرا که معتقدم همیشه چنین شانس را با خود به همراه خواهم داشت؛ بنابراین بر مبنای آن نقشه طراحی می‌کنم.

شما نیز می‌بایست چنین اعمال کنید. اگر از رگه‌ای از خوش‌شانسی برخوردارید، باید خودتان را فرد سعادت‌مندی تلقی کنید؛ اما هیچ‌گاه روی آن حساب چندانی باز نکنید یا به این موضوع امید نداشته باشید که برایتان اتفاق بیفتد.

استراتژی هفتم: شما یک مدیر هستید

اصل هفتم از استراتژی نظامی اتحاد و یکپارچگی فرمان است. همه افراد باید بدانند که اختیار همه چیز و انجام هر کاری در دست شما است؛ زیرا شما مسئولید، شما فرمان تیراندازی را صادر می‌کنید. همه به شما اطلاعات را گزارش می‌دهند و جواب تمامی سوالات مبهم را اخذ می‌کنید. در زمان شما می‌توانید به موقعیت دموکراتیک برگردید اما در زمان بحران همه باید بدانند که شما رئیس و مدیر هستید.

در نهایت اینکه در اقدام برای حل و فصل یک بحران احتمالاً بهترین ویژگی که شما می‌توانید داشته باشید تعهد به موفقیت، پیروزی و غلبه بر مسائل و مشکلات بدون توجه به بزرگی و نوع این مشکلات است. کلید پیروزی و موفقیت تداوم بخشیدن به جملات از سوی شما و حرکت بدون وقفه به سمت جلو می‌باشد. گاهی بی‌باکی و شجاعت منجر به ایجاد بسیاری از مشکلات می‌شود؛ اما شجاعت و بی‌باکی بیشتر شما را از دام مشکلات خلاص می‌کند؛ بنابراین هر چه سریع‌تر برای دستیابی به پیروزی و موفقیت دست به کار شوید و هرگز توقف نکنید.